

بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه موردی شهر شیراز

جهانگیر جهانگیری، عبدالعلی لهسایی‌زاده و محمدکریم منصوریان

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی پیامدهای آپارتمان‌نشینی در شهر شیراز انجام گرفت. جهت انجام این کار، ابتدا مطالعات انجام شده پیرامون آپارتمان‌نشینی و مسایل مرتبط با مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که آپارتمان‌نشینی یکی از الگوهای زندگی شهرنشینی است، جهت تنظیم چهارچوب نظری، از نظریات جامعه‌شناسان شهری برای بررسی زندگی آپارتمان‌نشینی استفاده شده است. در این راستا نظریات گیدنز، ورث و رویکرد فرهنگ‌گرایی به عنوان چهارچوب نظری انتخاب و مدل تجربی تحقیق از آن استخراج گردید. حجم نمونه $n=377$ تعیین گردید که جهت افزایش دقت به $n=400$ افزایش یافت. پرسشنامه‌ها در چهار منطقه از شهر که مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی در آنجا بیشتر از سایر مناطق بود، تکمیل گردید. متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر، عبارتند از: تحصیلات پاسخ‌گو، درآمد خانوار، بعد خانوار، محل تولد، سطح زیربنای آپارتمان، تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق‌ها، قومیت، سابقه آپارتمان‌نشینی، داشتن یا نداشتن مدیر در مجتمع و نوع مدیریت. متغیرهای وابسته عبارتند از رضایت‌مندی ساکنان، احساس امنیت، احساس بیگانگی، اعتماد اجتماعی و موفقیت تحصیلی فرزندان چهار متغیر اول، به صورت طیف لیکرت طراحی و مورد سنجش قرار گرفتند. با توجه به مدل نظری تحقیق ۲۱ فرضیه مطرح و مورد آزمون قرار گرفت که از این میان ۴ فرضیه مورد تایید قرار گرفت. تحقیق حاضر نشان داد که سطح زیربنا، تعداد

طبقات مجتمع مسکونی، وجود یا عدم وجود مدیر و نوع مدیریت مجموعه آپارتمانی رابطه‌ی مثبت با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی دارد.

واژگان کلیدی: آپارتمان‌نشینی، احساس امنیت، بیگانگی اجتماعی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی.

مقدمه

انقلاب صنعتی در غرب، انقلابی به تمام معنا بوده که موجب تغییرات ساختاری در تمام ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ گردیده است. مهاجرت‌های روستا - شهری، نیاز به نیروی کار در مراکز شهری و مکانیزه شدن کشاورزی، باعث گسترش جمعیت شهرها گردید. افزایش شتابان جمعیت شهرنشین و برخورد با موانع طبیعی و رویارویی با مسایل بوم شناختی باعث رشد عمودی شهرها و نیازمند استفاده از حداقل فضا برای حداکثر افراد گردید.

کشورهای توسعه یافته همراه با گسترش فیزیکی شهر و رشد متعادل جمعیت شهرنشین، اقدام به حل مشکلات به شیوه‌ی علمی نمودند. یعنی مدل و تئوری‌هایی که خود ساخته و پرداخته بودند جهت حل مشکلات خود به کار بردند. این امر به دلیل انطباق تئوری و مدل با واقعیت، مشکلات کمتری به همراه داشت. اما در کشورهای جهان سوم وضع به گونه‌ی دیگری رقم خورد. تکنولوژی‌ها و تجلیات مادی بدون مدل‌سازی وارد گردید. امکانات بهداشتی وارد شده باعث کاهش مرگ و میر و در نهایت رشد سرسام‌آور جمعیت گردید. تکنولوژی‌های سرمایه‌بر باعث رها شدن نیروی عظیم کار و روانه شدن آنها به سوی شهرها گردید. الگوی رشد جمعیت بدون تغییر به بقای خود ادامه داد و در کنار سایر عوامل انفجار جمعیت را موجب شد.

از جمله پیامدهای این وضعیت را می‌توان شهرنشینی حاد^۱ دانست. پیامد این پدیده، تقاضای زیاد برای مسکن است که به علت محدودیت گسترش شهرها، راه حل جدیدی را می‌طلبد. بروز این پدیده در ایران بخوبی هویدا است و برنامه‌ریزان و مدیران شهری چاره‌ای جز روی آوردن به بلند مرتبه‌سازی ندیدند. بلندمرتبه سازی از بعد سخت‌افزاری مسأله خاصی به همراه ندارد. بعد مسأله‌ساز بلند مرتبه سازی، بعد نرم‌افزاری آن یعنی آپارتمان‌نشینی است

^۱ - Overurbanization

که یک مسأله کاملاً فرهنگی است. آپارتمان‌نشینی نیازمند تغییر برخی الگوهای رفتاری است. تغییر در رفتار نیز نیازمند زمان و پرورش خاصی است که همگام با آپارتمان‌سازی به پیش نمی‌رود. پژوهش حاضر به دنبال بررسی مشکلات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناشی از پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی است. این امر با کمک نظریات جامعه‌شناختی شهری صورت خواهد گرفت. در واقع محققین با طراحی مدل حاصل از نظریات جامعه‌شناختی، مشکلات آپارتمان‌نشینی را مشخص کرده و جهت حل آنها به ارایه راه حل می‌پردازند.

مروری بر تحقیقات پیشین

الف- تحقیقات داخلی

در میان تحقیقات داخلی، آن نوع تحقیقاتی که به طور مستقیم وارد حوزه‌ی مسایل آپارتمان‌نشینی شده باشد، بسیار نادر است. اغلب پژوهش‌ها، تحلیلی و غیر تجربی هستند و یا اینکه به طور کلی به مسأله فضا و فرهنگ پرداخته‌اند. از میان پژوهش‌های انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

«پژوهشی در آپارتمان‌نشینی و ارایه یک مدل رفاهی مسکن (کوی گیشا)» عنوان تحقیقی است که توسط بهلولی ماکویی انجام گردیده است. اهداف محقق عبارتند از: شناخت خصوصیات کلی آپارتمان‌های گیشا، شناخت آپارتمان‌نشینان، بررسی آمادگی یا عدم آمادگی مردم برای پذیرش زندگی آپارتمان‌نشینی، مشکلات آپارتمان‌نشینان، راه کارهای حل مشکل، تعیین نقش آپارتمان‌سازی در حل مسأله مسکن و درک لزوم گسترش یا عدم گسترش آپارتمان‌سازی در تهران. محقق از نوع و شیوه‌های مختلفی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرده است. نوع مطالعه، اکتشافی است. از شیوه‌ی توصیفی، علی و همبستگی نیز استفاده شده است. مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه از تکنیک‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها می‌باشند. جمع نمونه شامل ۱۰۰ آپارتمان می‌باشد (بهلولی ماکویی، ۳۶-۲۵۳۵).

نتایج پژوهش فوق نشان می‌دهد که طبقات اجتماعی مختلف دیدگاه متفاوتی در مورد آپارتمان‌نشینی دارند. طبقات مرفه‌تر، آپارتمان‌نشینی را از روی اراده و تمایل اختیار کرده‌اند و آگاهی کاملی از شرایط آن داشته‌اند. مسایلی چون امنیت باعث انتخاب این نوع زندگی شده

است. طبقه متوسط در مرز آگاهی و عدم آگاهی از زندگی آپارتمان‌نشینی قرار دارند. این گروه از یک طرف با طبقات بالا در ارتباط هستند و از طرف دیگر به علت شهرستانی بودن، وابستگی زیادی به سنت‌ها دارند ولی آنچه مشخص است این است که آمادگی برای پذیرش فرهنگ آپارتمان‌نشینی را دارند. در میان طبقات پایین انگیزه آپارتمان‌نشینی از طرفی، مشابه با طبقه متوسط و از طرف دیگر، متفاوت با طبقه بالا بود. محقق بیان می‌کند که نه تنها در میان این گروه از مردم زندگی آپارتمان‌نشینی دارای شرایط ویژه‌ای نبوده بلکه تفاوت این سبک از زندگی سنتی در واحدهای مسکونی نیز چندان روشن و متمایز نمی‌باشد. شکاف فرهنگی در میان این گروه بسیار عمیق است. در میان این گروه، آپارتمان‌نشینی از روی تمایل صورت نگرفته بلکه مسایلی چون کمبود مسکن، رهایی از دست صاحب خانه و مسایلی از این قبیل آن را موجب گشته است.

به طور کلی طبق یافته‌های تحقیق فوق، ۷۲ درصد از ساکنان از واحدهای مسکونی خود و از زندگی در آن اظهار رضایت می‌کردند، ۱۱ درصد به نسبت راضی بودند و فقط ۱۷ درصد ناراضی وجود داشتند. مسکن ایده‌آل ۹۰ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه، خانه ویلایی است. مشکلاتی که آپارتمان‌نشینان با آن مواجه بوده‌اند عبارتند از: فقدان پارکینگ، عدم وجود آرامش، فقدان مدیریت و عدم مشارکت، عدم هماهنگی اجتماعی در بین ساکنان، نداشتن حیاط، نبودن فضای باز، وسعت کم آپارتمان، فقدان سازمان ناظر بر ساختن آپارتمان‌ها، گران بودن اجاره آپارتمان‌ها و آماده نبودن افراد برای آپارتمان‌نشینی (همان).

معصومه کریمی تحقیقی تحت عنوان «پژوهشی در مسایل آپارتمان‌نشینی» در مجموعه‌ی مسکونی مقابل پارک ساعی، در سال ۵۶-۱۳۵۵ انجام داده است. کریمی اهداف خود را چنین بیان می‌کند: شناخت خصوصیات کلی آپارتمان، شناخت خصوصیات اجتماعی و اقتصادی ساکنان، تعیین سهم ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی، شناخت مشکلات، شناخت میزان آمادگی برای پذیرش آپارتمان‌نشینی، شناخت و تعیین راه حل‌هایی در جهت پذیرش آپارتمان‌نشینی. جامعه‌ی آماری این پژوهش را ۵۱ خانوار ساکن آپارتمان‌های ساعی تشکیل می‌دهند. محقق در یافته‌های تحقیق به این نتیجه می‌رسد که ساکنانی که رضایت‌مندی بیشتری از آپارتمان‌نشینی دارند، خانوارهای غیرسنتی هستند. پاسخ‌گویان مهم‌ترین مشکل

آپارتمان‌نشینی را اشتراکی بودن وسایل و مهم‌ترین مزیت را امنیت دانسته‌اند. رضایت‌مندی با روابط همسایگی در ارتباط است. همچنین رضایت از آپارتمان‌نشینی با تغییراتی که در مسکن بوجود آمده در ارتباط است. یعنی هرچه تغییرات بیشتر بوده، پذیرش آپارتمان‌نشینی نیز بیشتر شده است. خانوارهایی که محیط را به دلخواه می‌توانند تغییر دهند و نیازهای خود را مرتفع کنند، آپارتمان‌نشینی را بیشتر پذیرا شده‌اند. همچنین ایجاد تغییرات در خانوارهای غیرسستی بیشتر است. کسانی که سابقاً در آپارتمان زندگی کرده‌اند نسبت به آنهایی که در خانه‌های ویلایی زندگی می‌کردند، رضایت بیشتر داشته‌اند. در نهایت محقق پیشنهاداتی در جهت بهبود زندگی آپارتمان‌نشینی به این شرح ارائه می‌کند: ۱- آموزش آپارتمان‌نشینان از طریق رسانه‌های گروهی، ۲- تقویت نقش دولت در اداره صحیح آپارتمان‌ها، ۳- ایجاد فضای سبز و آزاد، ۴- ایجاد تسهیلات بیشتر مانند زمین بازی، پارکینگ، استخر، سوپرمارکت و ...، ۵- ساختمان‌ها به نحوی ساخته شوند که قابلیت تغییر را داشته باشند (کریمی، ۲۵۳۶-۲۵۳۵).

مهدوی پژوهشی تحت عنوان «آپارتمان‌نشینی و انطباق فرهنگی» انجام داده است. این پژوهش پیرامون جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختارهای زیست محیطی منطقه کیان شهر، شهر جمهوری اسلامی می‌باشد. محقق با شیوه‌ی ژرفایی به توصیف جنبه‌های مختلف آپارتمان‌نشینی و تبیین چگونگی انطباق و سازش آپارتمان‌نشینی، روابط همسایگی و کیفیت مسکن پرداخته است. در شهر جمهوری اسلامی، ۲۰۰ واحد مسکونی مشتمل بر ۲۰۰ خانوار به طور تصادفی انتخاب و با سرپرست خانوار یا همسر وی مصاحبه گردید و چند خانواده نمونه نیز به روش فراژرفایی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثر خانواده‌های مورد مطالعه با توجه به بعد خانوار، خلوت بودن و فضای خالی لازم را برای انجام برخی امور خصوصی خویش در اختیار ندارند و در واحد مسکونی خود به علت محدود بودن فضای مسکونی نسبت به بعد خانوار با شرایط ازدحام به عنوان یک فشار روانی مواجه‌اند. نکته دیگر اینکه خانواده‌ها با تمهیداتی مانند تغییر در برخی ویژگی‌های فیزیکی فضای مسکونی و تعدیل یا سرکوب بعضی از خواسته‌ها و نیازهای خود با محیط سازش نموده‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین حاکی از این امر است که اگرچه اکثریت خانوارهای مورد مطالعه (۷۹ درصد) قبل از سکونت در آپارتمان، در خانه‌های حیاط‌دار ساکن بوده‌اند و

۸۸ درصد هنوز به سکونت در این نوع مسکن علاقمند هستند، لیکن تحت شرایطی خاص و بنا به دلایلی نظیر پایین بودن سطح درآمد و فقر که ۹۶/۵ درصد به صراحت یا تلویحاً به آن اشاره کرده‌اند آپارتمان را با وجود مشکلات فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی و کمبود امکانات و تسهیلات رفاهی و خدماتی به عنوان یک سرپناه پذیرفته‌اند. مجموعه شواهد مبین این واقعیت است که پذیرش آپارتمان برای اکثر خانواده‌های مورد مطالعه خوشایند نبوده، و چنین به نظر می‌رسد که اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی اجازه انتخاب بین آپارتمان و خانه را به آنها می‌داد خانه را به عنوان مسکن مورد علاقه خویش بر می‌گزیدند (مهدوی، ۱۳۷۳).

مشهودی در مقاله‌ای تحلیلی به بررسی عوامل تشویق کننده خانوار به سکونت در آپارتمان، مشکلات آپارتمان‌نشینی، عوامل مؤثر بر میزان اختلافات آپارتمان‌نشینان و آرایه راه حل پرداخته است. وی توان اقتصادی خانوار، فرهنگ، مدیریت ساخت و مدیریت بهره‌برداری را از جمله عوامل مؤثر در تشویق خانوارها به سکونت در مجتمع‌های مسکونی می‌داند. مشکلات آپارتمان‌نشینی و اختلاف میان همسایگان معلول عوامل مختلف و متعددی است. عدم توافق ساکنان در نحوه‌ی استفاده از مشاعات، وجود سلاخی، فرهنگ‌ها و اختلافات محسوس اجتماعی میان ساکنان، عدم وجود ضوابط و مقررات مدرن برای طراحی، ساخت و بهره‌برداری از این مجتمع‌ها، عدم توجه ساکنان به رعایت حقوق همسایگان و عدم الزام ایشان به جبران خسارات احتمالی که مسبب آن هستند از جمله عواملی است که سکونت در این مجتمع‌ها را مشکل ساخته است (مشهودی، ۱۳۸۰).

به طور کلی، عناصر عمده‌ی زیر در میزان اختلافات و یا توافقات میان ساکنان یک مجتمع نقش دارند که توجه به آن می‌تواند راهنمای طراحان و مدیران مجتمع‌ها قرار گیرد:

- ۱- سابقه مدنی استفاده کننده و شهر محل استقرار مجتمع از همین نظر،
- ۲- گروه درآمدی مصرف کننده‌ها،
- ۳- تعداد واحد مورد استفاده،
- ۴- حضور یا عدم حضور مصرف کننده به هنگام طراحی و ساخت،
- ۵- در شرایط عدم شناخت ساکن آتی و با تغییرات زیاد آنها،

۶- واحدهای استیجاری بسیار کوچک دوره‌گذار خانوار که به وسیله بخش عمومی احداث می‌شود.

۷- ویژگی‌های عمومی منطقه مورد استقرار از نظر موقعیت در شهر یا ارتباط با شهر و دسترسی به خدمات و تسهیلات عمومی منطقه.

مشکلات و مسائلی که در طول روند بهره‌برداری از مجموعه‌های مسکونی برای ساکنان پیش می‌آید فارغ از نقصان مدیریت، ضوابط و قوانین نافذ و مدرن و دیگر عوامل از این دست به شکل ریشه‌ای‌تر به عللی باز می‌گردد که گاه در مرحله طراحی، ساخت و اجرای بنا قابل پیشگیری بوده و چه بسا رفع کامل آنها مقدور باشد (همان).

ب- تحقیقات خارجی

رابرت ادوارد میچل^۱ در هنگ کنگ به بررسی تأثیرات واحدهای پرجمعیت و شلوغ بر بهداشت روانی و روابط نقش خانوادگی افراد پرداخته است. اطلاعات مورد استفاده میچل از سه پیمایش با مقیاس کلان به دست آمده است. یکی از پیمایش‌ها در بردارنده‌ی ۳۹۶۶ نفر از حوزه‌های شهری است. افراد مورد مطالعه، بالای ۱۸ سال داشتند. مطالعه‌ی دوم در مورد خانوارهایی بود که از نواحی شهری مشابهی بودند. ۵۶۱ زوج مورد مصاحبه قرار گرفتند. علاوه بر این ۲۶۳۱ نفر دیگر نیز که ازدواج کرده و با همسرانشان زندگی می‌کردند مورد مطالعه قرار گرفتند. این مصاحبه توسط دانشجویان در تابستان و اوایل بهار ۱۹۷۶ صورت گرفت (Mitchell, 1971).

نتایج نشان دادند که ۳۹ درصد پاسخ‌گویان در واحدهای مسکونی با غیرخویشاوندان شریک بودند. ۲۸ درصد آنها سه یا چهار نفر در اتاق‌ها می‌خوابیدند و ۱۳ درصد آنها در اتاق‌های چهارنفر یا بیشتر می‌خوابیدند. ۲۹ درصد از پاسخ‌گویان، معتقد بودند که فضا به نسبت کوچک است و ۱۳ درصد گزارش دادند که فضا بسیار کوچک‌تر از حد نیاز است. زمانی که تعداد خانوارهای ساکن در یک واحد مسکونی کنترل می‌شود سطح طبقه بر روی بیماری‌های روحی در میان واحدهای مسکونی چندخانواری افزایش پیدا می‌کند. همچنین

^۱ - Robert Edward Mitchell

رابطه بین سطح خصومت با سطح طبقه بسیار مهم است. این فشارها تحت تأثیر تعداد خانوارهایی است که در یک واحد زندگی می‌کنند و نه تعداد افراد آن واحد مسکونی. اگرچه تراکم بالا و دیگر ویژگی‌های فیزیکی مسکن بر روی سطح فشار تأثیری ندارد، ولی ویژگی‌های اجتماعی مسکن بر این فشارها تأثیر مهمی دارد. اگرچه شرایط متفاوت مسکن تأثیری بر تعامل زن و شوهری ندارد ولی تراکم بر روابط والدین - فرزند تأثیر آشکاری را نشان می‌دهد. والدینی که در مسکن‌های با تراکم بالا زندگی می‌کنند نسبت به ترک خانه توسط فرزندان جدی نیستند. همچنین مسکن‌های با تراکم بالا تعامل بین همسایه‌ها و دوستان را تشویق نمی‌کند (همان).

آلن بوت پژوهشی تحت عنوان "تجمع و روابط خانوادگی" انجام داده است. وی در این تحقیق تأثیر تراکم خانوار و واحدهای همسایگی را بر روابط بین همسران، رابطه بین والدین و فرزندان و روابط بین فرزندان را مورد بررسی قرار داده است. داده‌ها از نمونه‌ای از خانواده‌های تورنتویی به شیوه‌ی طبقه‌ای چند مرحله‌ای گردآوری شد. جمعیت مورد مطالعه، خانواده‌های سفیدپوستی بودند که دارای یک یا چند فرزند بودند. ۱۷۰۰۰ مصاحبه از ۸۶۲ خانوار به عمل آمد. در ۵۶۰ مورد، مصاحبه با یک یا هر دو والدین صورت گرفت. متغیرهای تراکم بین یک تا سه درصد از متغیر وابسته را توضیح دادند. از ۸۴ رابطه تنها ۱۲ رابطه در سطح پنج درصد معنی‌دار بود. ۱۰ مورد از این رابطه‌ها معکوس بودند. در بین شوهران، افراد در هر اتاق رابطه منفی با مجادله با همسر داشت. شرایط همسایگی عینی بر روابط بین همسران تأثیر کمی داشت. هر چه والدین احساس شلوغی و تراکم بیشتری می‌کردند (تراکم ذهنی)، تعداد دفعات تنبیه بچه‌ها زیادتر می‌شد. تراکم واحدهای همسایگی تأثیر بر میزان دعوای بین بچه‌ها نداشت. تراکم و تجمع عینی خانوار رابطه مثبتی با تعداد دعوای گزارش شده توسط مادر داشت. تجربه دوران کودکی (زندگی در محیط شلوغ تأثیر کمی بر سازگاری بعدی آنها با محیط متراکم نشان داد. متغیر مذکور در بین مردان ۲ درصد و در بین زنان ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمود (Booth, 1976).

راین واتر به این نکته رسیده است که خرابکاری و پرخاشگری بین بچه‌ها با سکونت در نواحی با تراکم بالا ارتباط دارد (Rainwater, 1966). پژوهش دیگری نیز نشان داده است که سکونت در نواحی پرتراکم بهترین پیش‌بینی کننده بزهکاری جوانان است (Gilis, 1973). برخی از پژوهش‌ها این ایده را تقویت می‌کنند که ویژگی‌های مسکن برای کارکردهای خانواده پیامدهایی دارد. برای مثال، دامنه‌ی فعالیت‌های مجاز خانواده توسط زندگی آپارتمان‌نشینی محدود می‌شود. و هرچه فاصله از زمین بیشتر شود، محدودیت‌ها نیز بیشتر می‌شوند (Raven, 1967). تنش مردان خانواده با محدودیت‌های موجود، باعث کاهش مشارکت در فعالیتهای خانوار می‌شود. این محدودیت‌ها بر تنش زنان در ارتباط با تعامل با فرزندان و همسایگان روشتر است. مخصوصاً زمانی که در طبقات بالایی ساختمان آپارتمان زندگی می‌کنند (Fanning, 1967).

مارسلا پژوهشی تحت عنوان «تأثیر تراکم مسکونی بر اختلال ذهنی در فیلیپین»، انجام داده است. وی پس از تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده و بررسی تأثیر زندگی آپارتمان‌نشینی نشان می‌دهد که بین تراکم واحد مسکونی و بهداشت روانی همبستگی مثبت وجود دارد. یعنی هرچه واحدهای مسکونی از لحاظ تعداد بیشتر باشد، اختلال روحی افراد افزایش پیدا می‌کند (Marsella, 1970).

از دیگر محققانی که بر روی ابعاد فرهنگی آپارتمان‌نشینی کار کرده است، هال می‌باشد. وی معتقد است شیوه‌ی زندگی آپارتمان‌نشینی با شیوه‌ی سکونت معمولی متفاوت است. تراکم جمعیت از متغیرهای تأثیرگذار بر این شیوه‌ی زندگی است. آپارتمان‌نشینی باعث تراکم بیش از اندازه خانوار و اعضای آن در واحد سطح و در محیط مسکونی می‌شود. به عقیده‌ی هال، این شیوه‌ی سکونتی باعث تغییر در تماس‌های انسانی می‌شود. پیامد آپارتمان‌نشینی، تراکم جمعیت است و تراکم جمعیت باعث افزایش روابط انسانی می‌شود.

هال سابقه‌ی زندگی در محیط‌های با تراکم بالا را در انطباق با شیوه‌ی جدید زندگی آپارتمان‌نشینی مؤثر می‌داند. بر این اساس وی ادعا می‌کند که اگر افراد پیش از زندگی در آپارتمان‌های با تراکم بالا، مدت مدیدی را با تراکم بالای جمعیت زندگی کرده باشند و هنجارها و ارزش‌های خاص آنرا تجربه کرده باشند، تحمل زندگی در چنین محیط‌هایی برای

آنها آسان بوده و مشکلات فرهنگی چندانی نخواهند داشت. حال پیرامون این تجربه اظهار می‌دارد که تحمل زندگی آپارتمان‌نشینی همراه با تراکم جمعیت بالا برای ژاپنی‌ها آسانتر از آلمانی‌هاست، زیرا ژاپنی‌ها برای زمان‌های طولانی در مکان‌هایی با تراکم جمعیت زیاد بسر برده‌اند و در طی این سال‌ها، سنت‌ها و محدودیت‌های فرهنگی خاص زندگی در محیط‌های با تراکم بالا را بوجود آورده و به آنها خو گرفته‌اند (Hall, 1972).

ویلسون در نتیجه پژوهش پیرامون محیط فیزیکی و شکل ساختمان به این نکته می‌رسد که بین جرم و طرح و ظاهر ساختمان‌ها و خیابان‌ها رابطه وجود دارد (Wilson, 1989). ساختارهای فیزیکی همانند راهنمایی برای مجرمان بالقوه عمل می‌کنند به طوری که آنان را قادر می‌سازد بدون مشخص شدن، به اعمال مجرمانه دست بزنند. ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی و بلوک‌های شهری بر رفتار مجرمانه‌ی تأثیرگذار است. برای مثال، پروژه‌های مسکن بلند مرتبه نسبت به پروژه‌های مسکن کوتاه و کم تراکم، جرم بیشتری را تجربه می‌کند. یعنی هرچه ساختمان بلندتر باشد میزان جرم بیشتر می‌شود (Rand, 1984).

نوع طراحی معماری نیز بر نوع و تعداد شبکه‌های اجتماعی شخص از طریق فرصت‌هایی که برای تعامل با دیگران فراهم می‌کند، تأثیر می‌گذارد. یکی از مطالعاتی که طرح‌های خوابگاهی را مقایسه کرده نشان می‌دهد که دانشجویان ساکن در ساختمان دارای دسترسی به فضای باز مرکزی، شبکه‌های اجتماعی گسترده تری نسبت به دانشجویان داشتند که در خوابگاه‌های دارای ورودی‌های مجزا زندگی می‌کردند (Fleming, 1985).

بقای روابط اجتماعی (شامل شبکه‌های اجتماعی و حمایت) و احساس اعتماد اجتماعی بر مسایل بهداشتی تأثیر بسیار مهمی دارند. اگر ساختارهای فیزیکی باعث افزایش رفتار مجرمانه شوند همچنین می‌توانند بر کنترل اجتماعی و روابط اجتماعی مرتبط با رفتارهای معطوف به بهداشت و سلامتی افراد تأثیرگذارند (Kennedy, 1998).

الیزابت سکیورزکا در پژوهشی به بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر رضایت‌مندی ساکنان سالمند پرداخته است. در این پژوهش رضایت‌مندی فرد ساکن بعنوان یک شاخص کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. عوامل سازمانی مورد استفاده عبارتند از: میزان تسهیلات، محیط فیزیکی، خدمات، استقلال، خط مشی، هزینه‌های ساکنان، منابع مجموعه و مالکیت. همچنین

متغیرهایی چون بهداشت روانی فرد ساکن، توانایی عملی، تحصیلات و مشارکت در تصمیم‌های مرتبط با مکان کنترل گردیدند. رابطه بین عوامل سازمانی و رضایت‌مندی فرد ساکن مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها از مصاحبه با ۱۶۵ نفر از ساکنان خانه‌های سالمندان در مریلند جمع‌آوری گردید. ابزار جدیدی برای سنجش رضایت‌مندی فرد ساکن تهیه گردید. اطلاعات مربوط به تسهیلات از طریق مصاحبه با مدیران، مشاهده مستقیم محیط فیزیکی و اسناد مربوط به تسهیلات بدست آمد. نتایج نشان دادند، ساکنانی که رضایت‌مندی بیشتری داشتند، شادتر، مستقل‌تر، دارای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها و دارای تحصیلات کمتر بودند. با کنترل ویژگی‌های فرد ساکن، سطوح بالای رضایت‌مندی با میزان تسهیلات کم، سطح متوسط امکانات فیزیکی، دسترسی بیشتر به فضای شخصی، فعالیت اجتماعی تفریحی کمتر و مالکیت غیرانتفاعی همبستگی نشان داد. محقق بحث می‌کند، به علت اینکه عوامل سازمانی ناچیزی با رضایت‌مندی فرد ساکن رابطه معناداری داشتند با این حال، سطوح بالای منابع پاسخ‌های ساده‌ای جهت بهبود کیفیت زندگی فرد است. ویژگی‌های خود فرد ساکن متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌تری هستند تا متغیرهای سازمانی (Sikorska, 1998).

چارچوب نظری

تأثیر ویژگی‌های معماری بر افراد غیرمستقیم است به نحوی که افراد به طور مستقیم به مسکن پاسخ نمی‌دهند. در واقع، مسکن بر الگوی روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد و افراد نیز به نظام روابط اجتماعی پاسخ می‌دهند که شرایط مسکونی آن را ایجاد کرده است (Mitchell, 1971).

محققین در زمینه‌ی ارتباط بین فرهنگ و سکونت به دو دوره‌ی تاریخی نظری در غرب اشاره می‌کنند. دوره‌ی مالینوفسکی و لیتتون که از دو قطب یعنی نیازهای زیستی و همبستگی پدیده‌های فرهنگی صحبت می‌کند و دوره بوردیو تا امروز که در آن مفهوم آداب سکونت را بکار می‌برند. با توجه به این دو دوره‌ی تاریخی نظری چهار نکته مطرح می‌شود:

۱- اسکان می‌تواند مکان عاطفی خانواده‌ها را طبق اصول جامعه‌شناسی شهری و

خانواده بوجود آورد.

۲-خانه محیط مناسب و مکان لازم جامعه‌پذیری است.

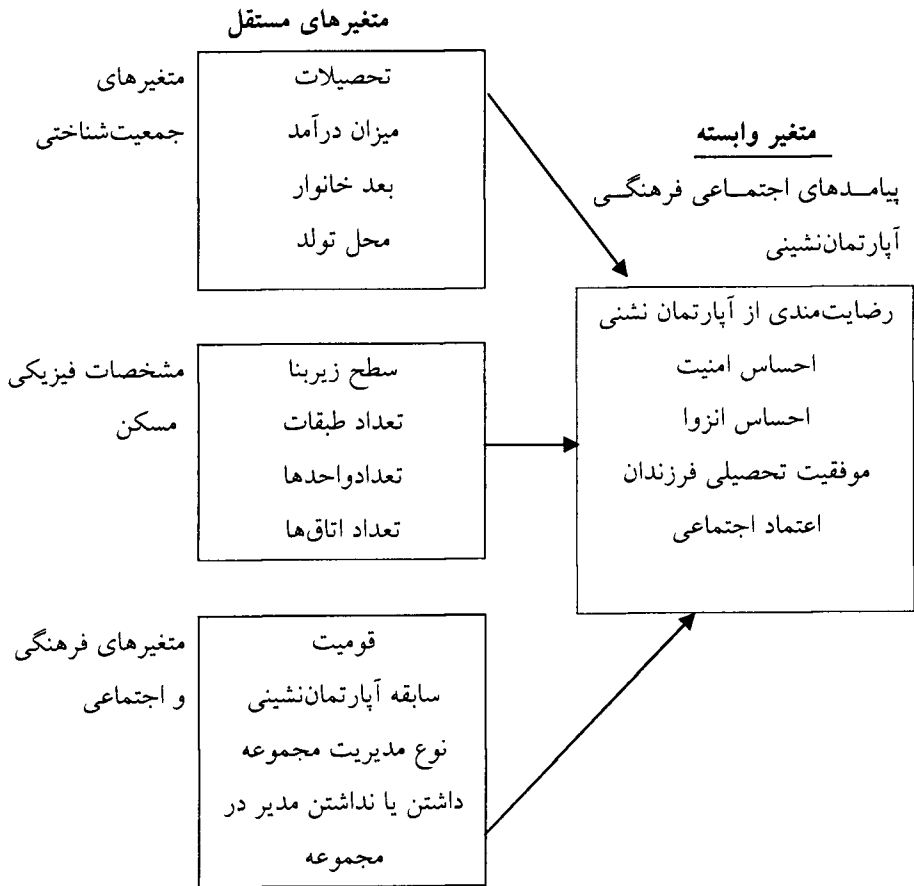
۳-جدایی محل کار از سکونت با توجه به بعد جغرافیایی است.

۴-مشارکت، نظارت و تدبیر منزل طبق فرایندهای جامعه‌شناسی اقتصاد است (پلامد به نقل از ربانی، ۱۳۸۱: ۲۴).

در پژوهش حاضر از سه رویکرد جهت تبیین مسأله آپارتمان‌نشینی و پیامدهای آن استفاده می‌شود. یکی رویکرد فرهنگ‌گرا نسبت به شهر و شهرنشینی است که رابطه‌ی فرهنگ و فضا را در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌کند. دوم، رویکرد لوییس ورث پیرامون زندگی به شیوه‌ی شهرنشینی است. سوم رویکرد آنتونی گیدنز جامعه‌شناس معاصر در ارتباط با محل و جایگاه آن در روابط انسانی است.

مدل تجربی

از آنجا که آپارتمان‌نشینی بخش جدایی‌ناپذیر فرایند شهرنشینی است جهت طراحی مدل تحقیق از چهارچوب نظری استفاده می‌گردد. مدلی که در زیر می‌آید با استفاده از نظریه‌ی گیدنز، رویکرد فرهنگ‌گرایی و همچنین نظریه ورث رسم شده است.



گرچه هر سه رویکرد مورد استفاده برای استخراج مدل تحقیق بر رابطه‌ی فضا و فرهنگ تأکید دارند ولی جایگاه فضا (محل) و ارتباط آن با روابط اجتماعی در نظریه گیدنز برجسته‌تر است. بنابراین، متغیرهای مربوط به ساختار فیزیکی با توجه به نظریه گیدنز ارایه شده‌اند. رویکرد فرهنگ‌گرا و به طور خاص نظریه‌ی ورث به طور عمده مسایل فرهنگی را محور قرار داده‌اند. در اینجا متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی از نظریه‌ی ورث و رویکرد فرهنگ‌گرایی استخراج گردیده‌اند.

فرضیات تحقیق

- در این بخش با توجه به چهارچوب نظری و مدل تحقیق، فرضیات زیر مطرح می‌گردند:
- ۱- انتظار می‌رود بین تحصیلات پاسخ‌گو و رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه وجود داشته باشد.
 - ۲- احتمال می‌رود بین میزان درآمد خانوار و رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه وجود داشته باشد.
 - ۳- احتمال می‌رود بین بعد خانوار با احساس بیگانگی رابطه منفی وجود داشته باشد.
 - ۴- به نظر می‌رسد بعد خانوار با موفقیت تحصیلی فرزندان رابطه داشته باشد.
 - ۵- احتمال می‌رود محل تولد با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه داشته باشد.
 - ۶- احتمال می‌رود محل تولد با احساس امنیت رابطه داشته باشد.
 - ۷- به نظر می‌رسد سطح زیربنا با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه مثبتی داشته باشد.
 - ۸- به نظر می‌رسد سطح زیربنا با موفقیت تحصیلی فرزندان رابطه داشته باشد.
 - ۹- انتظار می‌رود تعداد طبقات ساختمان با احساس امنیت پاسخ‌گویان رابطه داشته باشد.
 - ۱۰- انتظار می‌رود تعداد طبقات مجتمع مسکونی با احساس بیگانگی رابطه داشته باشد.
 - ۱۱- انتظار می‌رود تعداد واحدهای ساختمان با احساس امنیت رابطه داشته باشد.
 - ۱۲- به نظر می‌رسد بین تعداد واحدهای ساختمان با اعتماد اجتماعی رابطه داشته باشد.
 - ۱۳- انتظار می‌رود بین تعداد اتاق‌های واحد مسکونی با موفقیت تحصیلی فرزندان رابطه داشته باشد.
 - ۱۴- انتظار می‌رود تعداد اتاق‌های واحد مسکونی با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه داشته باشد.
 - ۱۵- احتمال می‌رود قومیت پاسخ‌گویان با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه داشته باشد.
 - ۱۶- احتمال می‌رود قومیت پاسخ‌گویان با احساس بیگانگی آنان رابطه داشته باشد.

- ۱۷- احتمال می‌رود قومیت پاسخ‌گویان با اعتماد اجتماعی رابطه داشته باشد.
- ۱۸- به نظر می‌رسد سابقه آپارتمان‌نشینی پاسخ‌گویان با رضایت از آپارتمان‌نشینی رابطه داشته باشد.
- ۱۹- به نظر می‌رسد سابقه آپارتمان‌نشینی پاسخ‌گویان با احساس بیگانگی رابطه داشته باشد.
- ۲۰- انتظار می‌رود نوع مدیریت مجموعه آپارتمانی با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه داشته باشد.
- ۲۱- انتظار می‌رود داشتن یا نداشتن مدیر در مجموعه آپارتمانی با احساس امنیت پاسخ‌گویان رابطه داشته باشد.

چارچوب روش تحقیق

اصولاً هر پژوهشی از روش‌شناسی خاصی پیروی می‌کند. دو امر اساسی در تعیین نوع روش‌شناسی و روش تحقیق نقش دارند. یکی ماهیت موضوع مورد مطالعه و دیگری دیدگاه محقق. در تحقیق حاضر هر دو معیار مؤید به کارگیری روش‌شناسی اثباتی و روش تحقیق کمی است. محقق در روش تحقیق کمی تا حد زیادی از الگوی علوم تجربی استفاده می‌کند تا از این طریق بر اعتبار یافته‌ها افزوده شود و نتایج توسط دیگران در شرایط تقریباً مشابه قابل مشاهده باشد.

۱- جامعه آماری

طبق بررسی‌های انجام شده تعداد کل واحدهای مسکونی شهر شیراز ۲۵۰ هزار واحد می‌باشند. از این تعداد، بر اساس نظر کارشناسان، تعداد تقریباً ۴۰ هزار واحد را واحدهای آپارتمانی تشکیل می‌دهند. شهر شیراز در سال‌های اخیر به علت پذیرش مهاجران از نواحی مختلف همانند سایر شهرهای پرجمعیت ایران با مشکل مسکن مواجه است. این امر باعث روی آوردن افراد به آپارتمان‌نشینی و رشد ارتفاعی شهر گردیده است.

۲- شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

شیوه‌ی نمونه‌گیری تابعی از کیفیت جامعه آماری است. چگونگی توزیع ویژگی‌های مورد نظر محقق نقش مهمی در تعیین شیوه‌ی نمونه‌گیری دارد. از آنجایی که جامعه آماری تحقیق حاضر را آپارتمان‌نشین‌های شهر شیراز تشکیل می‌دهند و این افراد و مناطق محل سکونت از لحاظ شاخص‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر متفاوتند، پس جامعه آماری ما، جامعه‌ای ناهمگن است. شیوه‌ی نمونه‌گیری نیز بایستی از جامعه آماری تبعیت کند. بنابراین، شیوه‌ی نمونه‌گیری مناسب «شیوه‌ی طبقه‌بندی تصادفی» است و یکی از مطلوب‌ترین تکنیک‌های تعیین حجم نمونه آماری در جوامع ناهمگن شیوه‌ی نمونه‌گیری «لین» می‌باشد. طبق جدول لین (Lin, 1976: 446) حجم نمونه آماری برای جوامع دارای ۲۰ تا ۵۰ هزار عضو، با پذیرش سطح خطای ۵ درصد، سطح اطمینان ۹۵ درصد و با فرض نسبت مفروض ۵۰ درصدی پارامتر مورد نظر $n = 377$ تعیین می‌گردد. جهت افزایش دقت، این مقدار به $n = 400$ مورد ارتقاء داده می‌شود. نمونه‌گیری در چهار منطقه از شهر شیراز که زندگی آپارتمان‌نشینی الگوی مسلط بوده صورت گرفته است. این چهار منطقه عبارتند از: الف: بلوار جمهوری، ساحلی و ارم، ب: معالی‌آباد، مطهری و کوی قضات، ج: منطقه پانصد دستگاه ارتش و د: کوی زهرا. در هر منطقه ۱۰۰ پرسشنامه توسط پرسش‌گران تعلیم دیده به صورت تصادفی تکمیل گردید.

بررسی یافته‌های تحقیق

این بخش از دو قسمت، آمار توصیفی و آمار استنباطی تشکیل شده است. در قسمت آمار توصیفی پاره‌ای از جداول توزیع فراوانی و درصد متغیرها ارائه می‌شوند. اگرچه رابطه بین متغیرها در این بخش بررسی نمی‌شوند ولی اطلاعات توصیفی جداول، وضعیت کلی نمونه آماری پژوهش حاضر را به خوبی نمایش می‌دهد. قسمت دوم به آمار استنباطی اختصاص یافته است. در این بخش فرضیه‌های تحقیق آزمون می‌شوند. نوع تکنیک آماری به کار رفته با توجه به سطح سنجش متغیرها، تعیین شده است.

- آمار توصیفی

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان را برحسب محل تولد نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول مذکور، ۷۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان متولد شهرهای دیگر استان و ۱۶/۱ درصد از پاسخ‌گویان متولد شهرهای خارج از استان و ۷/۱ درصد متولد شیراز و تنها ۳/۵ درصد محل تولد خود را روستا ذکر کرده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان

بر حسب محل تولد

درصد	فراوانی	محل تولد
۷/۱	۲۷	شیراز
۷۳/۳	۲۷۸	شهرهای دیگر استان
۳/۵	۱۳	روستاهای استان
۱۶/۱	۶۱	شهرهای دیگر
۱۰۰	۳۷۹	جمع
missing=۲۱		

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب میزان تحصیلات نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که ۲/۸ درصد از پاسخ‌گویان، بی سواد، ۵/۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۴/۵ درصد راهنمایی، ۴۵/۵ درصد دبیرستان و دیپلم، ۱۳/۱ درصد فوق دیپلم و ۲۸/۳ درصد نیز دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده‌اند. همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهند بخش عمده‌ای از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دبیرستانی و دیپلم هستند و پس از این گروه، تحصیلات لیسانس و بالاتر بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب میزان تحصیلات

درصد	فراوانی	توزیع فراوانی تحصیلات
۲/۸	۱۱	بی سواد
۵/۸	۲۳	ابتدایی
۴/۵	۱۸	راهنمایی
۴۵/۵	۱۸۱	دبیرستان و دیپلم
۱۳/۱	۵۲	فوق دیپلم
۲۸/۴	۱۱۳	لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۳۹۸	کل
Missing = ۲		

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را برحسب بعد خانوار آن‌ها نشان می‌دهد. به طور کلی بعد خانوار به سه گروه تقسیم شده است. گروه اول خانوارهای ۲ نفره و کمتر، گروه دوم خانوارهای ۳ و ۴ نفره و گروه سوم خانوارهای دارای ۵ نفره و بیشتر. یافته‌ها نشان می‌دهند که ۱۷/۵ درصد خانوارها در گروه اول، ۵۸/۱ درصد در گروه دوم و ۲۴/۴ درصد در گروه سوم جای می‌گیرند. بر این اساس خانوارهای ۳ و ۴ نفره از بیشترین فراوانی برخوردارند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب بعد خانوار

درصد	فراوانی	توزیع فراوانی بعد خانوار
۱۷/۵	۶۸	۱ و ۲ نفره
۵۸/۱	۲۲۶	۳ و ۴ نفره
۲۴/۴	۹۵	۵ نفره و بیشتر
۱۰۰	۳۸۹	کل
Missing = ۱۱		

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی اتاق‌های آپارتمان پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. به طور کلی، ۶/۳ درصد آپارتمان‌ها دارای یک اتاق، ۵۴/۶ درصد دارای ۲ اتاق، ۳۳/۵ درصد دارای ۳ اتاق و ۵/۶ درصد دارای چهار اتاق بوده‌اند. بیشترین فراوانی متعلق به آپارتمان‌های دارای ۲ اتاق و بعد از آن آپارتمان‌های دارای ۳ اتاق می‌باشد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی آپارتمان‌های پاسخ‌گویان برحسب

تعداد اتاق

درصد	فراوانی	توزیع فراوانی تعداد اتاق
۶/۳	۲۵	اتاق ۱
۵۴/۶	۲۱۵	اتاق ۲
۳۳/۵	۱۳۲	اتاق ۳
۵/۶	۲۲	اتاق ۴
۱۰۰	۳۹۴	کل
Missing = ۶		

جدول شماره ۵ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را بر حسب قومیت آنها نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول، ۹۵ درصد پاسخ‌گویان به گروه قومی فارس و ۵ درصد باقیمانده به گروه‌های قومی ترک، لر، عرب و غیره تعلق دارند. البته به نظر می‌رسد برخی از پاسخ‌گویان در مورد گروه قومی خود واقعیت را کتمان کرده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب گروه قومی

درصد	فراوانی	توزیع فراوانی گروه قومی
۹۵	۳۷۹	فارس
۱/۵	۶	ترک
۱/۳	۵	لر
۰/۳	۱	عرب
۲/-	۸	سایر
۱۰۰	۳۹۹	کل
Missing = ۱		

جدول شماره ۶ توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را بر حسب سال‌های سکونت در آپارتمان نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول یاد شده، ۲۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان یک سال و کمتر از یک سال، ۱۰/۴ درصد ۲ سال، ۹/۹ درصد ۳ سال، ۷/۶ درصد ۴ سال، ۶/۸ درصد ۵ سال، ۲۱/۹ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال و ۲۲/۲ درصد بیش از ۱۰ سال زندگی آپارتمان‌نشینی داشته‌اند. فراوانی قابل ملاحظه آپارتمان‌نشینی در گروه زیر یک سال نشان دهنده‌ی رشد سریع این پدیده در شهر شیراز می‌باشد.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب سالهای آپارتمان‌نشینی

درصد	فراوانی	توزیع فراوانی سال‌های آپارتمان‌نشینی
۲۱/۲	۸۴	یک سال
۱۰/۴	۴۱	۲ سال
۹/۹	۳۹	۳ سال
۷/۶	۳۰	۴ سال
۶/۸	۲۷	۵ سال
۲۱/۹	۸۷	بین ۵ تا ۱۰ سال
۲۲/۲	۸۸	بیش از ۱۰ سال
۱۰۰	۳۹۶	کل
Missing = ۴		

در این بخش فرضیه‌های تحقیق آزمون می‌شوند. نوع تکنیک آماری به کار رفته با توجه به سطح سنجش متغیرها، تعیین شده است. بدین نحو که با استفاده از تکنیک‌های مناسب، رابطه‌ی بین دو (یا چند) متغیر بررسی و نتایج به جامعه آماری تعمیم داده می‌شوند. در اینجا، به طور کلی با توجه به سطح سنجش متغیرها، از سه تکنیک آماری عمده استفاده می‌شود. این تکنیک‌ها عبارتند از: آزمون T، آزمون F و رگرسیون دو متغیره و چند متغیره. حال با استفاده از این تکنیک‌ها به آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم.

جدول شماره ۷ به بررسی رابطه بین میزان تحصیلات و رضایت‌مندی از زندگی آپارتمان‌نشینی می‌پردازد. میزان تحصیلات به چهار طبقه تقسیم شده که عبارتند از: ۱- بی سواد، ۲- ابتدایی و راهنمایی، ۳- دبیرستان و دیپلم و ۴- تحصیلات دانشگاهی. همانگونه که یافته‌های جدول نشان می‌دهند، نمره میانگین پاسخ‌گویان در سطوح چهارگانه بین ۲۶ تا ۲۷

قرار دارد و تفاوت معنی داری بین میزان رضایت مندی آنها وجود ندارد. مقدار F بدست آمده نیز بسیار ناچیز است. بنابراین رابطه معناداری بین میزان تحصیلات و رضایت مندی از زندگی آپارتمان نشینی وجود ندارد.

جدول شماره ۷: آزمون مقایسه میانگین رضایت مندی برای سطوح مختلف تحصیلی

سطح معنی داری	مقدار F	اشتباه استاندارد	میانگین	فراوانی	تحصیلات
۰/۸۷	۰/۲۴	۱/۱۹	۲۶/۱۸	۱۱	بی سواد
		۰/۶۳	۲۶/۹۵	۴۱	ابتدایی و راهنمایی
		۰/۴۷	۲۶/۱۴	۱۸۱	دبیرستان و دیپلم
		۰/۴۱	۲۶/۱۹	۱۶۵	تحصیلات دانشگاهی

جدول شماره ۸ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر میزان درآمد و رضایت مندی از زندگی آپارتمان نشینی نشان می دهد. یافته ها نشان می دهند که بین دو متغیر رابطه معنی داری از لحاظ آماری وجود ندارد. به عبارت دیگر میزان درآمد آپارتمان نشینان مورد مطالعه تأثیری بر میزان رضایت مندی آنها ندارد.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون رگرسیون برای رابطه بین دو متغیر درآمد خانوار و رضایت از زندگی آپارتمان نشینی

متغیر	مقدار R	مقدار R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
میزان درآمد	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹

جدول شماره ۹ نتایج آزمون رگرسیون، جهت آزمون رابطه بین دو متغیر بعد خانوار و احساس تنهایی را نشان می دهد. یافته ها نشان می دهند که بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود ندارد. مقدار F نیز بسیار کوچک (۰/۴۱۶) می باشد. بنابراین، تعداد اعضای خانوار

تأثیری بر احساس تنهایی آپارتمان‌نشینان ندارد. البته لازم به توضیح است که احساس تنهایی در ارتباط بین خانوارهای ساکن در آپارتمان سنجیده شده است و نه درون خانوارها.

جدول شماره ۹: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین بعد خانوار و احساس تنهایی

متغیر	مقدار R	مقدار R ^۲	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
بعد خانوار	۰/۰۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۴	۰/۴۱۶	۰/۵۲

جدول شماره ۱۰ نتایج تحلیل رگرسیون جهت آزمون رابطه بین دو متغیر بعد خانوار و موفقیت تحصیلی فرزندان را نشان می‌دهند. یافته‌های جدول نشان می‌دهند که دو متغیر یاد شده، از لحاظ آماری رابطه‌ی معنی‌داری با یکدیگر ندارند. R بدست آمده ۰/۱۸ و تعداد R^۲ برابر با ۰/۰۳۴ است. مقدار F نیز بسیار کوچک است. بنابراین، بعد خانوار تأثیری بر موفقیت تحصیلی فرزندان ندارد.

جدول شماره ۱۰: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر بعد خانوار و

موفقیت تحصیلی فرزندان

متغیر	مقدار R	مقدار R ^۲	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
بعد خانوار	۰/۱۸۵	۰/۰۳۴	۰/۴۳۴	۰/۳۱	۰/۵۸

جدول شماره ۱۱ نتایج آزمون مقایسه میانگین رضایت‌مندی متولدین مراکز استان‌ها و سایر جاها را نشان می‌دهد. میانگین نمره‌ی رضایت‌مندی متولدین مراکز استان‌ها ۲۶/۰۷ است در حالی که میانگین رضایت‌مندی متولدین سایر جاها از زندگی آپارتمان‌نشینانی ۲۷/۳ می‌باشد. گرچه در بین دو سطح رضایت‌مندی تفاوت وجود دارد ولی از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. مقدار T برابر با ۱/۶۱- است و سطح معنی‌داری ۰/۰۸ می‌باشد. بنابراین محل تولد بر میزان رضایت از زندگی آپارتمان‌نشینانی تأثیری ندارد.

جدول شماره ۱۱: آزمون تفاوت میانگین رضایت مندی از زندگی آپارتمان‌نشینان برحسب

محل تولد

محل تولد	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
شهرهای استان	۳۰۵	۲۶/۰۷	۵/۷۵	-۱/۶۱	۰/۰۸
سایر	۷۴	۲۷/۲۵	۴/۹۹		

جدول شماره ۱۲ نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت پاسخ‌گویان را برحسب محل تولد نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نمرات میانگین احساس امنیت هر دو گروه ۱۹/۱ می‌باشد. مقدار T بدست آمده نیز ۱/۰۵۷ می‌باشد. بنابراین محل تولد آپارتمان‌نشینان مورد مطالعه با احساس امنیت آنها ارتباط معنی‌داری ندارد.

جدول شماره ۱۲: نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت برحسب محل تولد

محل تولد	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
شهرهای استان	۳۰۵	۱۹/۱	۳/۶۴	۰/۰۵۷	۰/۹۵
سایر	۷۴	۱۹/۰۷	۳/۵۷		

جدول شماره ۱۳ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین سطح زیر بنای آپارتمان و رضایت مندی از زندگی آپارتمان‌نشینان نشان می‌دهد. یافته‌های جدول یاد شده نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و جهت آن نیز مثبت می‌باشد. بدین معنی که، هر چه بر مساحت آپارتمان‌ها افزوده شود ساکنان رضایت مندی بیشتری دارند. R به دست آمده ۰/۲۴ است و سطح معنی‌داری نیز ۰/۰۰۰ می‌باشد.

جدول شماره ۱۳: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر سطح زیر بنا و رضایت مندی از آپارتمان‌نشینی

متغیر	مقدار R	مقدار R ^۲	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
سطح زیر بنای (برحسب مترمربع)	۰/۲۴۱	۰/۰۵۸	۰/۰۰۸	۲۴/۶	۰/۰۰۰

جدول شماره ۱۴ نتایج رگرسیون را برای آزمون رابطه دو متغیر سطح زیربنای آپارتمان و موفقیت تحصیلی فرزندان نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد حتی با اینکه متغیر یاد شده توانسته است ۴ درصد از موفقیت تحصیلی فرزندان را توضیح دهد ولی رابطه بین آن دو از لحاظ آماری معنی دار نیست. R بدست آمده ۰/۱۹ است و مقدار F نیز ۱/۱۵ می‌باشد. بنابراین سطح زیربنای آپارتمان رابطه معنی داری با موفقیت تحصیلی فرزندان ندارد. شاید یکی از دلایل عدم تأیید این فرضیه، پیچیده بودن متغیر موفقیت تحصیلی و وابستگی آن به عوامل بنیادی تر می‌باشد.

جدول شماره ۱۴: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر سطح زیر بنا و موفقیت تحصیلی فرزندان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
سطح زیر بنا	۰/۱۹۵	۰/۰۳۸	۰/۲۲۱	۱/۱۴۸	۰/۲۹

جدول شماره ۱۵ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه دو متغیر مقدار طبقات مجتمع مسکونی و احساس امنیت ساکنان نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه معنی داری بین تعداد طبقات آپارتمان و احساس امنیت پاسخ‌گویان وجود ندارد. میزان R و

R^2 بسیار پایین است و مقدار F نیز $0/03$ می‌باشد. بنابراین تعداد طبقات تأثیری بر میزان احساس امنیت پاسخ‌گویان ندارد.

جدول شماره ۱۵: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین تعداد طبقات مجتمع مسکونی و احساس امنیت ساکنان

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
تعداد طبقات مجتمع مسکونی	0/009	0/000	0/016	0/033	0/85

جدول شماره ۱۶ نشانگر نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای دو متغیر تعداد طبقات مجتمع مسکونی و احساس تنهایی ساکنان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه بین دو متغیر از لحاظ آماری معنی‌دار است، جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنی که هر چه تعداد طبقات مجتمع مسکونی افزوده شود، پاسخ‌گویان بیشتر احساس تنهایی می‌کنند. مقدار R بدست آمده $0/11$ است و سطح معنی‌داری نیز $0/027$ می‌باشد.

جدول شماره ۱۶: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین تعداد طبقات مجتمع مسکونی و احساس تنهایی

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
تعداد طبقات مجتمع مسکونی	0/111	0/012	0/018	4/96	0/027

جدول شماره ۱۷ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین تعداد واحدهای مجتمع مسکونی و احساس امنیت ساکنان نشان می‌دهد. داده‌های جدول رابطه‌ی بین دو متغیر را تأیید نمی‌کنند. مقادیر R و R^2 و F بسیار پایین هستند و سطح معنی‌داری نیز $0/76$ است.

بنابراین فرضیه یاد شده تأیید نمی‌گردد. بدین معنی که افزایش یا کاهش تعداد واحدهای مسکونی مجتمع‌های آپارتمانی تأثیر معناداری بر احساس امنیت ساکنان ندارد.

جدول شماره ۱۷: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد واحدهای مسکونی مجتمع آپارتمانی و احساس امنیت ساکنان

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
تعداد واحدهای مجتمع مسکونی	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۸۸	۰/۷۶

جدول شماره ۱۸ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد واحدهای مسکونی و میزان اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان نشان می‌دهند. یافته‌های جدول رابطه بین دو متغیر یاد شده را تأیید نمی‌کنند. مقادیر R ، R^2 و F بسیار پایین است و رابطه فاقد سطح معنی داری است. بنابراین افزایش یا کاهش تعداد واحدهای مجتمع مسکونی تأثیری بر اعتماد اجتماعی ساکنان ندارد. البته لازم به یادآوری است که اعتماد ساکنان نسبت به همسایگان در مجتمع مسکونی بطور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از اعتماد آنها نسبت به سایر اعضای جامعه است. در واقع سطح اعتماد اجتماعی که بخش عمده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد در میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه به نسبت بالاست.

جدول شماره ۱۸: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد واحدهای مسکونی و اعتماد اجتماعی

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
تعداد واحدهای مجتمع مسکونی	۰/۰۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۳۴	۰/۵۵۹

جدول شماره ۱۹ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد اتاق‌های واحد مسکونی و موفقیت تحصیلی فرزندان نشان می‌دهد. یافته‌ها نشانگر عدم رابطه معنی‌دار بین دو متغیر می‌باشد. مقدار R ، R^2 و F بسیار پایین است. بنابراین تعداد اتاق‌های واحد مسکونی تأثیری در میزان موفقیت تحصیلی فرزندان ندارد.

جدول شماره ۱۹: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد اتاق‌های واحد مسکونی و میزان موفقیت تحصیلی فرزندان

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
تعداد اتاق‌های واحد مسکونی	۰/۱۳	۰/۰۱۷	۱۲/۰۷	۰/۴۹۹	۰/۴۸

جدول شماره ۲۰ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر تعداد اتاق‌های واحد مسکونی و رضایت‌مندی ساکنان نشان می‌دهد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معنی‌داری از لحاظ آماری وجود ندارد. مقدار R برابر با ۰/۰۵۹ و مقدار F نیز ۱/۴ می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق رد می‌شود. بدین معنی که تعداد اتاق‌های واحد مسکونی بر رضایت‌مندی ساکنان اثری ندارد.

جدول شماره ۲۰: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین اتاق‌های واحد مسکونی و رضایت‌مندی ساکنان

متغیر	R	R^2	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
تعداد اتاق‌های واحد مسکونی	۰/۰۵۹	۰/۰۰۴	۰/۰۲۴	۱/۴	۰/۲۳

جدول شماره ۲۱ نتایج آزمون مقایسه میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویان را برحسب قومیت آنها نشان می‌دهد. یافته‌ها رابطه بین گروه قومی و میزان رضایت‌مندی ساکنان را تأیید نمی‌کنند. میانگین رضایت‌مندی گروه قومی فارس ۲۶/۲۴ و میانگین رضایت‌مندی سایر گروه‌های قومی ۲۶/۳۸ می‌باشد. ملاحظه می‌شود که تفاوت چندانی بین دو میانگین وجود ندارد. مقدار T بدست آمده ۰/۱۱۹- و سطح معنی‌داری نیز ۰/۹ می‌باشد که حاکی از عدم رابطه است. بنابراین گروه قومی پاسخ‌گویان بر رضایت‌مندی آنها تأثیری ندارد.

جدول شماره ۲۱: نتایج آزمون تفاوت میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویان برحسب گروه

قومی

گروه قومی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
فارس	۳۷۹	۲۶/۲۴	۵/۶۷	-۰/۱۱۹	۰/۹۰۶
سایر	۲۰	۲۶/۳۸	۵/۲۹		

جدول شماره ۲۲ نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت پاسخ‌گویان را برحسب قومیت آنها نشان می‌دهد. داده‌های جدول ۲۶-۵ نشان می‌دهند که بین دو متغیر یاد شده رابطه معنی‌داری وجود ندارد. مقدار T برابر با ۱/۳۱- و سطح معنی‌داری نیز ۰/۲ می‌باشد. میانگین احساس امنیت گروه قومی فارس ۱۴/۲۸ و میانگین احساس امنیت سایر اقوام ۱۵/۶۳ می‌باشد. اگر چه تفاوت بین دو میانگین بیش از یک نمره را نشان می‌دهد ولی از لحاظ آماری این تفاوت معنی‌دار نیست. بنابراین گروه قومی ساکنان مجتمع‌های مسکونی تأثیری بر میزان احساس امنیت آنها ندارد.

جدول شماره ۲۲: نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت پاسخ‌گویان برحسب گروه قومی

گروه قومی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
فارس	۳۷۹	۱۴/۲۸	۴/۱۹	۱/۳۱	۰/۲۰
سایر	۲۰	۱۵/۶۳	۴/۵۱		

جدول شماره ۲۳ نتایج آزمون تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان را برحسب گروه قومی آنها نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهند که میان دو متغیر رابطه آماری معنی‌داری وجود ندارد. مقدار T برابر با ۰/۹۲۱- و سطح معنی‌داری نیز ۰/۳۶ می‌باشد. میانگین نمره اعتماد اجتماعی قوم فارس ۱۱/۴۷ است در حالی که میانگین گروه‌های قومی غیرفارس ۱۲/۰۳ می‌باشد. این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بنابراین گروه قومی تأثیری بر میزان اعتماد اجتماعی یا سرمایه اجتماعی ساکنان ندارد.

جدول شماره ۲۳: نتایج آزمون تفاوت میانگین اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان برحسب گروه قومی

گروه قومی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
فارس	۳۷۹	۱۱/۴۷	۲/۶۹	-۰/۹۲۱	۰/۳۶
سایر	۲۰	۱۲/۰۲	۲/۶۰		

جدول شماره ۲۴ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر سابقه آپارتمان‌نشینی و رضایت‌مندی ساکنان نشان می‌دهد. داده‌های جدول ۲۸-۵ رابطه معنی‌دار بین دو متغیر را تأیید نمی‌کند. مقدار R و R^2 و F بدست آمد بسیار ناچیز هستند. بنابراین، طبق یافته‌های جدول، سابقه آپارتمان‌نشینی تأثیر مهمی بر رضایت‌مندی ساکنان ندارد و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

جدول شماره ۲۴: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه بین سابقه آپارتمان‌نشینی و رضایت‌مندی ساکنان

متغیر	R	R ^۲	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
سابقه آپارتمان‌نشینی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴	۰/۰۱	۰/۹۱

جدول شماره ۲۵ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه بین دو متغیر سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی و احساس تنهایی نشان می‌دهد. داده‌های جدول یاد شده، رابطه بین دو متغیر را تأیید نمی‌کند. مقدار R، R^۲ و F بسیار پایین هستند و سطح معنی‌داری نیز ۰/۴۹ می‌باشد که نشانگر عدم معنی‌داری رابطه بین دو متغیر است. بنابراین فرضیه تحقیق رد می‌شود بدین معنی که سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی بر احساس تنهایی ساکنان تأثیری ندارد.

جدول شماره ۲۵: نتایج تحلیل رگرسیون جهت آزمون رابطه بین دو متغیر سابقه آپارتمان‌نشینی و احساس تنهایی

متغیر	R	R ^۲	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
سابقه آپارتمان‌نشینی	۰/۰۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۸	۰/۴۷	۰/۴۹

جدول شماره ۲۶ نتایج آزمون تفاوت میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویان را برحسب وجود یا عدم وجود مدیر در مجتمع مسکونی نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول، نمره میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویانی که مجتمع مسکونی آنها مدیر دارد ۲۷/۰۸ و نمره میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویانی که ساختمان آنها فاقد مدیریت است ۲۴/۷۵ است. مقدار T و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) بدست آمده نشانگر معنی‌دار بودن تفاوت بین دو میانگین است. ساکنانی

که در مجتمع مسکونی خود مدیر دارند، رضایت‌مندی بیشتری نسبت به افرادی دارند که مجتمع آنها فاقد مدیریت است.

جدول شماره ۲۶: آزمون تفاوت میانگین رضایت‌مندی پاسخ‌گویان بر حسب داشتن یا

نداشتن مدیر در مجتمع مسکونی

سطح معنی‌داری	مقدار T	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	داشتن یا نداشتن مدیر
۰/۰۰۰	۴/۱۷	۶/۰۹	۲۷/۰۸	۲۴۸	دارد
		۴/۳۵	۲۴/۷۵	۱۴۸	ندارد

جدول شماره ۲۷ نتایج آزمون تفاوت میانگین رضایت‌مندی ساکنان را برحسب نوع مدیریت نشان می‌دهد. میانگین رضایت‌مندی مجتمع‌هایی که یکی از ساکنان مدیر است ۲۷/۵۷ است. میانگین رضایت‌مندی برای مجتمع‌هایی که هیأت مدیره متشکل از ساکنان دارند ۲۶/۸۳ است، میانگین رضایت‌مندی ساختمان‌های دارای مدیریت دولتی ۲۸/۳ و دارای مدیریت خصوصی ۲۲/۵ می‌باشد. تفاوت بین میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. مقدار F بسیار پایین است. سطح معنی‌داری نیز ۰/۳۵ می‌باشد. بنابراین رابطه بین دو متغیر نوع مدیریت و میزان رضایت‌مندی ساکنان از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. یعنی اینکه نوع مدیریت تأثیری بر میزان رضایت‌مندی ندارد.

جدول شماره ۲۷: نتایج آزمون تفاوت میانگین رضایت مندی ساکنان برحسب نوع مدیریت مجتمع

مسکونی

نوع مدیریت	فراوانی	میانگین	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
یکی از ساکنان	۱۱۴	۲۷/۵۷	۰/۶۴	۱/۰۹	۰/۳۵
هیأت مدیره از ساکنان	۱۲۴	۲۶/۸۳	۰/۸۳		
مدیریت دولتی	۳	۲۸/۳۳	۲/۹۶		
مدیر خصوصی	۴	۲۲/۵	۲/۱۰		

جدول شماره ۲۸ نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس تنهایی ساکنان را برحسب نوع مدیریت نشان می‌دهد. مقدار F و سطح معنی داری (۰/۰۳۴) نشان دهنده معنی داری رابطه بین دو متغیر می‌باشد. میانگین نمره احساس تنهایی ساکنانی که در مجتمع مسکونی آنها یکی از ساکنان مدیر است ۱۳/۴۶، نمره میانگین آنهایی که دارای هیأت مدیره از ساکنان هستند ۱۴/۷۱، نمره میانگین مجتمع‌های دارای مدیریت دولتی ۱۸/۲۳ و نمره میانگین مجتمع‌های دارای مدیر خصوصی ۱۶/۰۹ می‌باشد. آزمون LSD نشان می‌دهد که تنها تفاوت بین میانگین دو گروه اول (مدیر یکی از ساکنان و هیأت مدیره از ساکنان) معنی دار است.

جدول شماره ۲۸: نتایج آزمون تفاوت میانگین احساس تنهایی پاسخ‌گویان برحسب نوع

مدیریت مجتمع

نوع مدیریت	فراوانی	میانگین	اشتباه استاندارد	مقدار F	سطح معنی داری
یکی از ساکنان	۱۱۴	۱۳/۴۶	۰/۴۱	۲/۹۴	۰/۰۳۴
هیأت مدیره از ساکنان	۱۲۴	۱۴/۷۱	۰/۳۷		
مدیریت دولتی	۳	۱۸/۳۳	۱/۷۶		
مدیر خصوصی	۴	۱۶/۰۹	۰/۸۴		

جدول شماره ۲۹ نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه‌ی مرحله به مرحله^۱ را برای متغیر وابسته رضایت‌مندی آپارتمان‌نشینان نشان می‌دهد. یکی از مزایای رگرسیون چند متغیره این است که محقق می‌تواند رابطه‌ی بین بیش از دو متغیر را بسنجد. یکی از شیوه‌های رگرسیون چند متغیره شیوه مرحله به مرحله است. این شیوه، آن دسته از متغیرهایی را که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند، انتخاب کرده و به ترتیب اهمیت آنها وارد معادله می‌کند. در اینجا با توجه به مدل تحقیق، ابتدا تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته‌ی (رضایت‌مندی آپارتمان‌نشینان) سنجیده می‌شود. متغیرهای مستقل مندرج در مدل تحقیق، عبارتند از: تحصیلات، میزان درآمد خانوار، محل تولد، سطح زیر بنای آپارتمان، تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق، قومیت پاسخ‌گویان، سابقه آپارتمان‌نشینی، داشتن یا نداشتن مدیر در مجموعه مسکونی و نوع مدیریت.

یافته‌های جدول ۲۹ نشان می‌دهند که از میان متغیرهای مستقل تنها یک متغیر مستقل یعنی سطح زیر بنای آپارتمان توانسته است وارد معادله شود. مقدار R بدست آمده ۰/۲۵ و سطح تبیین شده نیز ۰/۰۶ می‌باشد، بدین معنی که سطح زیر بنای آپارتمان، ۰/۰۶ از میزان رضایت‌مندی افراد را توضیح می‌دهد. با توجه به جهت مثبت رابطه، هرچه سطح زیربنای آپارتمان بیشتر باشد، رضایت‌مندی آپارتمان‌نشینان نیز بیشتر خواهد شد.

جدول شماره ۲۹: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی مرحله به مرحله برای متغیر وابسته

رضایت‌مندی آپارتمان‌نشینان

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	ضریب b	ضریب Beta	اشتباه استاندارد	سطح معنی‌داری
اول	سطح زیربنای آپارتمان	۰/۲۴۷	۰/۰۶۱	۰/۰۴۹	۰/۲۴۷	۰/۰۱۶	۰/۰۳
		R ^۲ = ۰/۰۶۱	Sig = ۱/۰۰۳	a = ۲۱/۴۶	F = ۹/۳۲	R = ۰/۲۴۷	

^۱ - Stepwise

جدول شماره ۳۰ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته احساس امنیت نشان می‌دهد. همانگونه که یافته‌ها نشان می‌دهند، در میان متغیرهای مستقل دوازده گانه، دو متغیر وارد معادله شدند. متغیرهای وارد شده عبارتند از "تعداد طبقات آپارتمان" و "نوع مدیریت". (با توجه به اینکه سطح سنجش متغیرهای مورد استفاده در تحلیل رگرسیون بایستی فاصله‌ای یا نسبی باشند متغیرهای اسمی، برای مثال نوع مدیریت، در صورتی وارد معادله می‌شوند که به متغیر ساختگی^۱ تبدیل شوند. یعنی کد صفر و یک می‌گیرند. در اینجا، مدیریت‌های نوع اول و دوم یعنی یکی از ساکنان به عنوان مدیر و هیأت مدیره از ساکنان، به ترتیب کد صفر و یک گرفتند و مدیریت‌های نوع سوم و چهار به علت فراوانی بسیار پایین آنها در معادله لحاظ نشدند.)

با توجه به اینکه جهت رابطه در هر دو مرحله مثبت است، می‌توان این گونه بیان کرد که هر چه تعداد طبقات مجموعه‌های مسکونی بیشتر باشد، میزان احساس امنیت ساکنان زیادتر می‌شود. متغیر تعداد طبقات آپارتمان توانسته است تقریباً ۷ درصد از احساس امنیت را تبیین کند و در مرحله دوم، متغیر نوع مدیریت (هیأت مدیره از ساکنان) ۰/۰۴۲ از متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. هر دو متغیر بر روی هم توانسته‌اند ۱۱ درصد از تغییرات احساس امنیت را تبیین نماید.

^۱ - Dummy Variable

جدول شماره ۳۰: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوهی مرحله به مرحله برای متغیر

وابسته احساس امنیت

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	مقدار افزوده شده به R ^۲	ضریب b	ضریب Beta	اشتباه استاندارد	سطح معنی داری
۱	تعداد طبقات آپارتمان	۰/۲۶۲	۰/۰۶۹	-	۰/۹۰۲	۰/۲۷۴	۰/۲۶	۰/۰۰۱
۲	نوع مدیریت (هیأت مدیره از ساکنان)	۰/۳۳۶	۰/۱۱۳	۰/۰۴۲	۱/۶۰	۰/۲۱۱	۰/۶۰۴	۰/۰۰۰
R= ۰/۳۲۶ F= ۹/۰۳۶ a= ۱۴/۰۷ Sig= ۰/۰۰۰ R ^۲ = ۰/۱۱۳								

جدول شماره ۳۱ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته «احساس تنهایی» نشان می دهد. یافته های جدول نشان می دهند که در میان متغیرهای مستقل دوازده گانه، متغیر نوع مدیریت توانسته است وارد معادله ی رگرسیون شود. جهت رابطه مثبت است. تغییر رابطه مثبت در ارتباط با متغیر ساختگی نوع مدیریت بدین شکل است که مجتمع های دارای هیئت مدیره ی متشکل از ساکنان نسبت به ساکنان مجتمع هایی که فقط یک مدیر از ساکنان دارد، بیشتر احساس تنهایی می کنند. مقدار R بدست آمده تقریباً ۰/۲۰ است و متغیر نوع مدیریت توانسته است ۴ درصد از تغییرات احساس تنهایی را توضیح دهد.

جدول شماره ۳۱: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوهی مرحله به مرحله برای متغیر

وابسته احساس تنهایی

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	ضریب b	ضریب Beta	اشتباه استاندارد	سطح معنی داری
اول	نوع مدیریت (هیأت مدیره از ساکنان)	۰/۱۹۵	۰/۰۳۸	۱/۵۹	۰/۱۹۵	۰/۶۷	۰/۰۱۹
R= ۰/۱۹۵ F= ۵/۶ a= ۱۳/۰۷ Sig= ۰/۰۱۹ R ^۲ = ۰/۰۳۸							

جدول شماره ۳۲ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهند که از میان متغیرهای مستقل، تنها دو متغیر توانسته‌اند وارد معادله شوند. این دو متغیر عبارتند از: سطح زیربنای آپارتمان و نوع مدیریت مجتمع مسکونی. متغیر مرحله اول رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی آپارتمان‌نشینان دارد. ولی متغیر مرحله دوم رابطه منفی با متغیر وابسته دارد. از آنجا که متغیر نوع مدیریت یک متغیر ساختگی است، تفسیر جهت منفی رابطه بدین معنی است که در مجتمع‌هایی که فقط یک نفر از ساکنان مدیر است میزان سرمایه اجتماعی یا اعتماد اجتماعی بیشتر است. یکی از دلایل این امر می‌تواند تعداد کم واحدها و میزان ارتباط بیشتر ساکنان باشد که زمینه‌ساز اعتماد بین ساکنان می‌شود.

متغیر مرحله اول یعنی سطح زیربنای آپارتمان تقریباً ۱۷ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده است. با وارد شدن متغیر دوم در مرحله دوم میزان تبیین سرمایه اجتماعی به ۱۹ درصد رسیده است. بدین معنی که سطح زیربنای آپارتمان و نوع مدیریت تقریباً $\frac{1}{5}$ از تغییرات سرمایه اجتماعی ساکنان را توضیح می‌دهند. R بدست آمده نیز ۰/۴۳۸ می‌باشد که نشان دهنده‌ی شدت رابطه در حد متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۳۲: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه‌ی مرحله به مرحله

برای متغیر وابسته سرمایه اجتماعی

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ^۲	مقدار افزوده شده به R ^۲	ضریب b	ضریب Beta	اشتباه استاندارد	سطح معنی‌داری
اول	سطح زیربنای آپارتمان	۰/۴۰۷	۰/۱۶۶	-	۰/۰۳۷	۰/۴۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰
۲	نوع مدیریت	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۰۲۶	۰/۹۲۸	-۰/۱۶۲	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰
		R ^۲ = ۰/۱۹۲	Sig = ۰/۰۰۰	a = ۷/۷۵	F = ۱۶/۸۹	R = ۰/۴۳۸		

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحقیق حاضر با هدف بررسی پیامدهای آپارتمان‌نشینی در شهر شیراز انجام گرفت. جهت انجام این کار، ابتدا مطالعات انجام شده پیرامون آپارتمان‌نشینی و مسایل مرتبط با مجتمع‌های مسکونی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که آپارتمان‌نشینی یکی از الگوهای زندگی شهرنشینی است جهت تنظیم چهارچوب نظری، از نظریات جامعه‌شناسان شهری برای بررسی زندگی آپارتمان‌نشینی استفاده شد. در این راستا نظریات گیدنز، ورث و رویکرد فرهنگ‌گرایی به عنوان چهارچوب نظری انتخاب و مدل تجربی تحقیق از آن استخراج گردید. حجم نمونه $n=377$ تعیین گردید که جهت افزایش دقت به $n=400$ افزایش یافت. پرسشنامه‌ها توسط دانشجویان رشته پژوهش‌گری در چهار منطقه از شهر که مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی در آنجا بیشتر از سایر مناطق بود، تکمیل گردید.

متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر، عبارتند از: تحصیلات پاسخگو، درآمد خانوار، بعد خانوار، محل تولد، سطح زیربنای آپارتمان، تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق‌ها، قومیت، سابقه آپارتمان‌نشینی، داشتن یا نداشتن مدیر در مجتمع و نوع مدیریت. متغیرهای وابسته عبارتند از رضایت‌مندی ساکنان، احساس امنیت، احساس بیگانگی، اعتماد اجتماعی و موفقیت تحصیلی فرزندان، چهار متغیر اول، بصورت طیف لیکرت طراحی و مورد سنجش قرار گرفتند.

با توجه به مدل نظری تحقیق ۲۱ فرضیه مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. تکنیک‌های آماری مورد استفاده با توجه به سطح سنجش متغیرها انتخاب گردیدند. تکنیک‌های به کار رفته عبارتند از: آزمون T، تحلیل واریانس، آزمون LSD، رگرسیون دو متغیره و چند متغیره به شیوه مرحله به مرحله.

از میان فرضیات تحقیق ۴ فرضیه به شرح زیر تأیید گردیدند:

- ۱- به نظر می‌رسد سطح زیربنا با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه مثبتی داشته باشد.
- ۲- انتظار می‌رود تعداد طبقات مجتمع مسکونی با احساس بیگانگی ساکنان رابطه داشته باشد.

۳- به نظر می‌رسد وجود یا عدم وجود مدیر در مجتمع‌های مسکونی با رضایت‌مندی ساکنان رابطه داشته باشد.

۴- انتظار می‌رود نوع مدیریت مجموعه آپارتمانی با احساس تنهایی پاسخ‌گویان رابطه داشته باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهند ساکنانی که سطح زیربنای آپارتمان آنها بیشتر است، رضایت‌مندی بیشتری نیز دارند. یکی از دلایل این امر، عادت به زندگی در خانه‌های بزرگ و حیاط‌دار است که در فرهنگ سنتی جایگاه خاص خود را دارد.

از دیگر یافته‌های تحقیق، رابطه مثبت بین تعداد طبقات مجتمع مسکونی و احساس تنهایی ساکنان است، یعنی هرچه طبقات یک مجتمع مسکونی بیشتر باشد، احساس تنهایی ساکنان بیشتر است. این امر تأییدکننده‌ی تئوری ورث است که به رابطه مثبت بین ازدحام و احساس تنهایی ساکنان شهرها اشاره می‌کند.

مقایسه‌ی میزان رضایت‌مندی مجتمع‌های مسکونی دارای مدیر و مجتمع‌های فاقد مدیر نشان می‌دهد، آنهایی که دارای مدیر هستند رضایت‌مندی بیشتری دارند. بدیهی است که وجود مدیریت در ساختمان‌ها به رفع سریعتر مشکلات می‌انجامد و این امر رضایت‌مندی ساکنان را افزایش می‌دهد.

یافته‌ها همچنین نشان دادند ساکنان آن دسته از مجتمع‌هایی که مدیریت آنها به صورت هیأت مدیره متشکل از ساکنان است نسبت به ساکنان مجتمع‌هایی که دارای یک مدیر از ساکنان است، بیشتر احساس تنهایی می‌کنند. از آنجا که مجتمع‌های دارای هیأت مدیره نسبت به مجتمع‌هایی که دارای یک مدیر از ساکنان است، جمعیت و ازدحام بیشتری دارند و در فرضیات قبلی رابطه‌ی مثبت بین تعداد طبقات (ازدحام) و احساس تنهایی تأیید گردید، رابطه بین نوع مدیریت و احساس تنهایی نیز طبیعی به نظر می‌رسد.

در نهایت بعد از آزمون فرضیات، چهار رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله به مرحله برای بررسی کلی مدل تحقیق بکار گرفته شد. بدین نحو که اثر متغیرهای مستقل دوازده گانه بر روی متغیرهای وابسته چهار نوبت سنجیده شدند.

در اولین آزمون رگرسیون چند متغیره جهت آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل دوازده گانه و رضایت‌مندی ساکنان، تنها متغیری که توانست وارد معادله شود و تأثیر معنی‌داری بر رضایت‌مندی ساکنان بگذارد، سطح زیربنای آپارتمان بود.

در دومین آزمون رگرسیون چند متغیره، جهت آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل دوازده گانه و متغیر وابسته احساس امنیت، دو متغیر یعنی تعداد طبقات آپارتمان و نوع مدیریت توانستند وارد معادله شوند. یافته‌ها نشان دادند هرچه تعداد طبقات مجتمع‌های مسکونی بیشتر شود، پاسخ‌گویان بیشتر احساس امنیت می‌کنند. همچنین میزان احساس امنیت در ساختمان‌هایی که دارای هیأت مدیره است از مجتمع‌هایی که دارای سایر انواع مدیریت می‌باشند، بیشتر است.

سومین آزمون رگرسیون چند متغیره جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل دوازده گانه و متغیر وابسته‌ی احساس تنهایی نشان داد که تنها یکی از متغیرها یعنی نوع مدیریت با متغیر مستقل رابطه دارد. بدین معنی که ساکنان مجتمع‌های دارای یک مدیر از ساکنان نسبت به ساکنان مجتمع‌های دارای هیأت مدیره احساس تنهایی کمتری می‌کنند.

در چهارمین آزمون رگرسیون چند متغیره جهت بررسی اثر متغیرهای مستقل دوازده گانه بر متغیر وابسته سرمایه اجتماعی با اعتماد اجتماعی، دو متغیر وارد معادله نهایی رگرسیون شدند که عبارتند از: سطح زیربنای آپارتمان و نوع مدیریت. بدین نحو که دارندگان آپارتمان‌های بزرگتر (از لحاظ مساحت) سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. همچنین سرمایه اجتماعی آپارتمان‌نشین‌های دارای یک مدیر از ساکنان، بیشتر از سرمایه اجتماعی آپارتمان‌نشینانی است که مجتمع آنها هیئت مدیره دارد. این امر تأیید کننده این نظریه است که اعتماد یا سرمایه اجتماعی در گروه‌های کوچکتر بیشتر است.

از آنجایی که دو متغیر مرتبط با مشخصات فیزیکی مسکن (سطح زیر بنا و تعداد طبقات) توانستند بر متغیرهایی از قبیل رضایت‌مندی و احساس تنهایی تأثیرگذار باشند، می‌تواند ادعا کرد که بخشی از نظریه‌ی گیدنز که بر فضا و رابطه آن با پدیده‌های اجتماعی تأکید دارد تأیید گردیده است. در مورد رویکرد فرهنگ‌گرا و نظریه ورث تأثیر متغیر مرتبط با

مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی (نوع مدیریت و حضور مدیر در مجموعه‌ی آپارتمانی) مشخص گردیده نشانگر تأیید بخش محدودی از نظریه‌ی ورث و رویکرد فرهنگ‌گرایی است. به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر، نظریات گیدنز، ورث و رویکرد فرهنگ‌گرا را به طور قدرتمندی تأیید نمی‌کند. این امر می‌تواند ناشی از چند مسأله باشد: یکی اینکه چنین پژوهش‌هایی در ایران به ندرت انجام گرفته است و هنوز بخش زیادی از واقعیت‌های آپارتمان‌نشینی بوسیله تحقیقات آشکار نشده‌اند. دوم اینکه، بسترهای فرهنگی با یکدیگر متفاوتند و متأسفانه در کشورهای توسعه یافته، کشورهایی منطبق با شکل بندی اجتماعی آنها خلق نشده‌اند تا بتوانند واقعیت‌های این کشورها را تبیین نمایند. نکته‌ی سوم اینکه، همان‌گونه که در بخش اول پیشنهادات نیز اشاره شده است، برای ورود به عرصه‌ی پژوهش پیرامون آپارتمان‌نشینی می‌توان از روش‌های کیفی (از قبیل مردم‌نگاری، گروه‌نگاری، تئوری زمینه‌ای و ...) سود جست تا پدیده تربیت بستر اجتماعی موردنظر و زوایای مختلف آن بر محققان آشکار گردد.

- در تحقیق حاضر، با توجه به یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
- ۱- از آنجا که مطالعات میدانی پیرامون آپارتمان‌نشینی بسیار نادر است پیشنهاد می‌گردد با توجه به گستردگی و رشد این الگوی زندگی، زمینه انجام مطالعات از این دست، با روش‌های متفاوت فراهم گردد.
 - ۲- با توجه به اینکه ابزار اولیه محققان، اطلاعات اولیه و خام پیرامون تعداد آپارتمان‌ها، و پراکندگی آنهاست، و چنین اطلاعاتی وجود ندارند، توصیه می‌شوند در جهت جمع‌آوری داده‌هایی در این حوزه اقداماتی صورت گیرد تا بخش عمده از وقت و هزینه‌ی محققان صرف گردآوری اینگونه اطلاعات اولیه نگردد.
 - ۳- از آنجا که یافته‌ها تأییدکننده‌ی تأثیر مثبت حضور مدیر یا هیأت مدیره بر میزان رضایت‌مندی ساکنان است، الزام مجتمع‌های آپارتمانی به داشتن مدیر ضروری به نظر می‌رسد.
 - ۴- با توجه به اینکه سطح زیر بنا رابطه مستقیمی با رضایت‌مندی پاسخ‌گویان دارد و امکانات جامعه جهت افزایش زیربناها در حد ایده‌آل موردنظر ساکنان کفایت

نمی‌کند، پیشنهاد می‌شود این دیدگاه از طریق آموزش و اطلاع رسانی تعدیل گردد تا افراد به زندگی در آپارتمان‌های با مساحت کمتر نیز احساس رضایت‌مندی داشته باشند.

۵- یافته‌ها نشان می‌دهند زمانی که تعداد طبقات و به تبع آن ازدحام جمعیت در یک مجتمع آپارتمانی زیاد می‌شود احساس تنهایی و بیگانگی ساکنان افزایش می‌یابد. توصیه می‌شود ظرفیت مجتمع‌های مسکونی از لحاظ تعداد طبقات و واحدها به گونه‌ای تنظیم شوند که ساکنان قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر باشند.

فهرست منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بهلولی ماکونی، برپچهر (۳۶-۲۵۳۵). *پژوهشی در آپارتمان‌نشینی و آرایه یک مدل رفاهی، کوی گیشا*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته توسعه و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۴). *جامعه شناسی شهری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- دواس، دی ای (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). *جامعه شناسی شهری*. ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱). *جامعه شناسی شهری*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- کرون، گرگوری، جی (۱۳۷۵). *انسانی کردن ساختمانهای بلند*. ترجمه فرزانه طاهری در شولر، ولفهانگ و دیگران، مسایل اساسی بلند مرتبه‌سازی. ترجمه فرزانه طاهری و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- کریمی، معصومه (۳۶-۲۵۳۵). *پژوهشی در مسایل آپارتمان‌نشینی، مجموعه مسکونی مقابل پارک ساعی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). *جامعه شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۶). *«آسیب‌های اجتماعی ناشی از گسترش بی رویه ساختمان سازی بلند در شیراز» مجموعه مقالات همایش مسکن شهری در استان فارس، مسایل، مشکلات و راهکارها*. سازمان مسکن و شهرسازی استان فارس، ۲۰ خرداد ۱۳۷۶، شیراز.
- محمدی، احمدرضا (۱۳۷۴). *بررسی و مطالعه رابطه فرهنگ و معماری و تکنولوژی ساخت مسکن در تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، دانشگاه تهران.

مشهودی، مسعود (۱۳۸۰). "تأثیر نحوه طراحی مجتمع مسکونی در مدیریت بهره برداری" مقاله
ارایه شده در همایش فناوری در صنعت ساختمان و مسکن. تهران، وزارت مسکن و
شهرسازی.

مهدوی، سیدقوام الدین (۱۳۷۳). *آپارتمان‌نشینی و انطباق فرهنگی، پژوهشی پیرامون
جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختارهای زیست محیطی کیان شهر، شهرک
جمهوری اسلامی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مردم شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده
علوم اجتماعی و تعاون.

نهاوندی، فرداد (۱۳۷۰). *بررسی مسایل مسکن شهری در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد،
رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق.

منابع انگلیسی

Bernstein, B. (1968). "Some Sociological Determinants of Perception, an Inquiry into Subcultural Differences", pp: 223-239 in Joshua, A. Fishman (ed) *Reading in the Sociology of Language*. The Hague: Mouton.

Booth, Alan(1976). "Crowding and Family Relations", *American Sociological Review*, Vol. 41, pp 308-321.

Fanning. D.M. (1967). "Families in Flats", *British Medical Journal*, 382-386.

Fleming R. Baum, A. and Singer J. E. (1985). "Social Support and the Physical Environment", in : Cohen, S. & Syme, S. L. (eds). *Social Support and Health*, Fla: Academic Press. pp: 327-346.

Gillis, Ronald(1973). "Population Density and Social Pathology", *Social Forces*. Vol, 53-pp: 306-314.

Hall, E. (1972). *The Hidden Dimension*, New York: Double day.

Homel, R and Burns, A. (1989) "Environmental Quality and the Well-being of Children", *Social Indicators Research* , 21. pp: 133-158.

- Kennedy, B. Peal, (1983). "Social Capital, Inequality and Firearm Violent Crime, *Social Science Medical*, 47, pp: 7-17.
- Lin, Non (1976). *Foundation of Social Research*, New York: Mc Grawhill.
- Marsella, A. E Scudero, M, and Gordon, P.(1970). "The Effect of Dwelling Density on Mental Disorder in Phillipino", *Journal of Health and Social Behavior*, No. 11. pp: 288-294.
- Mitchell, R. Edward (1969). *Family Life in Urban Hong Kong*. Hong Kong Urban Family Life Surrey.
- Mitchell , R. Edward (1971). "Some Social Implications of High Density Housing" , *American Sociological Rreview*. Vol. 36. pp: 18-29.
- Newman, O. (1972). *Defensible Space*, New York: Mac Millan.
- Rainwater, Lee. (1966). "Fear and the House – as – Haven in the Lower Class", *Journal o f American Institute of Planners*, Vol, 32. pp: 23-31.
- Rand, G.(1984). "Crime and Environment: A Review of the Literature and its Implications for Urban Architechure and Planning", *Journal of Architechural Plan Research*, 1 (1) pp: 3-19)
- Raven, John(1967). "Sociological Evidence on Housing", *Architectural Review*, Vol. 142. pp: 382-386.
- Schmitt, R. C. (1966). "Density, Health and Social Disorganization" , *Journal of American Institute of Planners*, Vol. 32-, pp. 38-39.
- Sikorska, E. (1998). *Organizational Determinants of Resident Satisfaction with Assisted Living*, Ph. D. Dissertation. University of Maryland Baltimore County .
- Song, J.(1997). *Relationship of Residence and Employment on the Quality of Life of Individuals with Mild of Moderate Retardation*. Ph. D. Dissertation. University of Texas at Austin.

- Turner, J. H (1986). *The Structure of Sociological Theory*, Belmont California: Dorsey Press.
- Wilson, J. Q, Kelling Ch. (1989). "Making Night or Hood Safe", *Atlantic Montly*, 263, 2. pp: 46-52.
- Winsborough, H. H. (1965). "The Consequences of High Population Density" , *Law and Contemporary Problems*, Vol. 13, pp: 120-126.
- Wirth, L. (1938). "Urbanizanism as a Way of Life" *American Journal of Sociology*, Vol. 44, No. 30.

دکتر جهانگیر جهانگیری، استادیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.

دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، استاد بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.

دکتر محمدکریم منصوریان، استادیار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز.